

## اخبار

دستمزد نجومی در سیما برای تازه رسیده‌ها است

### همکاری با آی‌آر

گیتی معینی بازیگر سریال «سه دونگ سه دونگ» که این روزها از شبکه آی فیلم پخش می‌شود، درباره زنده‌یاد سیروس گرجستانی که در این سریال با و هم بازی بود، به خبرنگار مهر گفت: من و مرحوم گرجستانی به نوعی بچه محل هم بودیم. هر دو در جاجرود زندگی می‌کنیم. آقای سعید امیرسلیمانی و سیامک نصاری هم در همین محل ساکن هستند. اینکه می‌گویند مرگ از پلک چشم به انسان نزدیک‌تر است، واقعیت دارد. ای‌کاش انسان‌ها قدر هم را بدانند و بیشتر با هم مهربان باشند.
وی با ذکر خاطره‌ای از ضبط این سریال ادامه داد: ما سریال «سه‌دونگ سه‌دونگ» را در ماه مبارک‌رمضان ضبط می‌کردیم. یک شب بعد از افطار هنگام ضبط یکی از سکانس‌ها، قطعاتی از آناناس را به‌عنوان مانسک روی صورت گذاشته بودند که باید همینطور می‌ماند و تا دوربین‌ها برای ضبط آماده شود، من آرام آرام شروع کردم به خوردن آناناس‌ها! شاهد احمدلو پرسید که خانم معینی شی آنناس چه شد؟ گفتم گرسنه‌ام بود و خوردم. شاهد ناراحت شد و گفت این موقع شب آناناس از کجا پیدا کنیم؟ خلاصه کلی گشتند و خوشبختانه یکی از همسایه‌ها در خانه آناناس داشت و کار ما را راه انداخت.

معینی درباره علاقه‌اش به نقش‌های متنوع عنوان کرد: همیشه دوست دارم نقش‌های متفاوت را بازی کنم ولی نمی‌دانم چرا مرا به عنوان یک زن جیب جیبو شناخته‌اند و فقط چنین نقش‌هایی را پیشنهاد می‌دهند! من از پس همه نوع نقش برمی‌آیم و توانایی‌اش را دارم. با بازی در ژانر طنز مشکلی ندارم اما نه اینکه بخوام فقط جیب بکشم. خودم هم حالم بد می‌شود. نمی‌دانم چرا بعضی از کارگردانان چنین چیزی را از من می‌خواهند. وی که پیش از این در رادیو حضور فعال‌تری داشت درباره فعالیت کم‌ترش در تلویزیون گفت: بخشی از کارم را در رادیو متمرکز کرده‌ام. از سوی دیگر، دستمزدها پایین است و برخی از تهیه‌کننده‌ها همین را هم نمی‌دهند و پول ما را می‌خورند. دستمزدهای نجومی برای تازه از راه رسیده‌ها است که چشم‌های رنگی دارند. به ما که دیگر پیر و از کار افتاده هستیم دستمزدهایی در حد دهه ۶۰ پیشنهاد می‌دهند و تازه، همان را هم پرداخت نمی‌کنند. البته خوشبختانه سه ماه است که سر فیلم سینمایی نرگس آبیار هستیم.

آغاز مجدد تولید «سلمان فارسی» از مردادماه

### سمنان جایگزین ترکیه شد

با توجه به شرایط پیش آمده در جهان و شیوع ویروس کرونا، تصویربرداری فصل بیزانس سریال «سلمان فارسی» که پیش‌تر قرار بود در ترکیه انجام شود، در سمنان از سر گرفته خواهد شد. در این زمینه از آخرین تکنولوژی روز در حوزه جلوه‌های ویژه کامپیوتری استفاده می‌شود.
داستان این بخش از سریال در ادامه سفر سلمان جوان در مسیر دمشق و فراز و فرودهای سفر و گریز شدن با قیابیل تحت سلطه روم و ایران باستان روایت می‌شود.

تصویربرداری سریال «سلمان فارسی» زمستان سال گذشته از بخش‌های جنوبی ایران و جزیره قشم آغاز شده بود و به دلیل شیوع ویروس کرونا در روزهای پایانی سال گذشته متوقف شد. ام‌الله احمدجو کارگردان باسابقه تلویزیون کارگردانی بخش بک‌گراند (پس‌زمینه) در دوره‌دار است تا به لحاظ ترسور، زیبایی‌شناسی افزون‌تری برای مخاطبان روز در مجموعه در نظر گرفته شود و امکان هدایت بازیگران در تمام بخش‌های تصویر فراهم شود. پیش‌بینی شده در فصل‌بندی این بخش از داستان سریال «سلمان فارسی» از تولد روزبه (سلمان) تا پیش از وفات پیامبر اسلام (ص) روایت شود که با پیش‌بینی‌های صورت گرفته مجموعه «سلمان فارسی» در ۴۵ قسمت آماده خواهد شد. این سریال جزو مجموعه‌های الف ویژه مرکز امور نمایشی سیما (سیمافیلم) به شمار می‌رود.

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسول:

**غلامحسین شعبانی**

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمازاده‌شمالی پلاک ۳۶۰ واحد ۵

# تاسیس بنیاد خودنویس



آندقر با روان نویس و خودکار ژل نوشته اند که براشون دیگه خوش نوشتن وخوش خطی بی معناست. خوش که نویسی خوب هم نمی نویسی ،در زندگیتم هم نظم نداری!» او در پاسخ به این پرسش که چند درصد ایرانیان از خودنویس استفاده می کنند،گفت:« واقعا آماری در دست نیست! ولی باید اضافه کنم که اگر آماری در کار باشد، نشان هنده آمار واقعی نیست، چرا که خودنویس درایران بیشتر به عنوان کادو استفاده میشود و کمتر مورد استفاده عملی در امر نگارش روزمره قرار می گیرد. هدف ما تلاش برای تغییر این رفتار است! البته همچنین لازم به ذکر است که تعلق خاطر ایرانیان به خطاطی از سده های قبل ، ایرانیان را مشتاق به استفاده از خودنویس نگاه داشته است. ایران ، کره و ژاپن از آخرین فرهنگ هائی هستند که از خودنویس استفاده می کنند.»

## جعفر پناهی؛ کارگردان جشنواره‌های یانابه‌ی نازک‌اندیش؟



را به‌دست می‌آورند. راضیه ماهی را می‌خرد و به خانه می‌رود.

سال تحویل می‌شود، همه به خانه‌هاشان رفته‌اند. اما پسرک بادکنک‌فروش، که یک بادکنک سفید به چوب‌ش وصل است، جایی ندارد که برود.

### آینه

آینه به کارگردانی و نویسندگی جعفر پناهی محصول سال ۱۳۷۶ ایران. این فیلم جایزه یوزپلنگ طلایی بهترین فیلم بیست و هفتمین جشنواره فیلم لوکارنو را به‌دست آورد. آینه دومین ساخته پناهی پس از فیلم بادکنک سفید است.

### خلاصه داستان

فیلم روایتگر داستان دخترکی خردسال به نام بهاره است که مادر او پس از تعطیل شدن مدرسه، به دلیل نامشخصی، برای بردن او از مدرسه نیامده است، و او پس از مدتی انتظار تصمیم می‌گیرد که به تنهایی به سمت خانه حرکت کند که در راه گم می‌شود.

### دایره

دایره به کارگردانی جعفر پناهی و نوشته کامبوزیا پرتوی محصول سال ۱۳۷۸ است که در ایران اجازه نمایش نیافت، اما تنها فیلم ایرانی برنده شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز (قدیمی‌ترین جشنواره فیلم جهان) در سال ۲۰۰۰ شد.

### خلاصه داستان

فیلم روایتگر داستان شش زن است که از زندان گریخته‌اند و سرنوشته متفاوتی را تجربه می‌کنند. فرشته، مانده، الهام و نرگس هر یک به دنبال پناهگاهی برای خود هستند. مانده خیلی زود توسط پلیس دستگیر می‌شود. نرگس قصد بازگشت به شهر خود را دارد که به علت موانع متعدد ممکن نیست. فرشته که از طرف خانواده طرد شده درصدد سقط جنین فرزندی است که پدرش اعدام شده است…

### طلای سرخ

طلای سرخ به کارگردانی و تهیه‌کنندگی جعفر پناهی و نویسندگی عباس کیارستمی. این فیلم در سال ۱۳۸۲ ساخته شده‌است. این فیلم در سینماهای ایران به خاطر آنچه «بیره بودن» این فیلم گفته شد به نمایش در نیامد.

### خلاصه داستان

حسین آقا فردی است با سابقه حضور در جبهه که به عنوان پیک موتوری در یک پیتزافروشی کار می‌کند. به خاطر سفارش‌هایی که از مناطق مرفه شهر به او می‌رسد با زندگی طبقه بورژوازی تهران آشنا می‌شود. از طرفی در چندین مواجهه با یک پتلافروشی، مورد تمسخر و اهانت قرار میگیرد. سیر او در بین افراد طبقه مرفه جامعه و نگاه به جایگاه خودش در اجتماع و تاثیرات روحی مورد اهانت قرار گرفتن توسط صاحب پتلافروشی، باعث میشود او در آنجا حس جنایت بزرگ بزند.

در این فیلم پناهی تلاش کرده‌است تا لایه‌های مختلف زندگی ایرانیان را نمایش دهد و به شکلی مسئله شکاف طبقاتی را در میان مردم ایران بررسی کند.

### آفساید

آفساید به کارگردانی جعفر پناهی و نویسندگی جعفر پناهی و شادمهر راستین. این فیلم که ساخته سال ۲۰۰۶ است، پنجمین فیلم پناهی در مقام کارگردان به‌شمار می‌رود. این فیلم در ایران نمایش عمومی داده نشد.

### خلاصه داستان

داستان روایتگر شرح حال دخترثانی است که حاضرند هر کاری انجام دهند تا بازی ایران-بحرین را برای ورود ایران به جام جهانی ببینند تا جای کنسانی را که در بازی ایران-ژاپن جان خود را از دست داده‌اند خالی نباشد. آن‌ها هر کدام با لباسی مبدل

## موسیقی چند بعدی «خطوط بی‌مکان» شنیدنی شد

هم نشاندن سه فرهنگ موسیقایی «آرامی»، «سلتی» و «دستگاهی ایران». مجموعه‌ای که خواهید شنید بر مبنای بداهه‌های شکل گرفت که بنای آن از ابتدا تلاش برای هم حس شدن و نزدیکی سه زیبایی‌شناسی به هم، فارغ از تفاوت‌های ظاهری موجود بین آنها بود. موتیف‌های موسیقایی اولیه که بداهه‌ها سیر بر پایه آن آغاز شد اغلب از گنجینه موسیقی هریک از سه فرهنگ یاد شده گزین شدند و طی بداهه‌نوازی‌های گروهی با خلاقیت هر نوازنده در تعامل با دو تن دیگر در قالبی جدید ارائه شدند.»

## یک فنجان چای داغ

### تاپ‌تن سینمایی برای خسته‌ها، افسرده‌ها، شوریده‌ها

درون گراها و مایخولیایی‌ها ساکت، آرام و بی‌آزار و صد البته بی‌حوصله و غیرقابل پیش‌بینی. این لیست پیشنهاداتی برای این نوازطلبان و افراد گریزان از جامعه دارد، ده فیلم درخشان، اگر شما هم پیشنهادی دارید در این دسته، کامنت کنید.

**درون لوین دیویس «Inside Llewyn Davis»**

کوئن‌ها خوب بلدند با مخاطب صمیمی شوند! هنرشان گفتن قصه‌های ساده و روان است بدون اینکه بخواهند پیچیده‌اش کنند. این بار در فیلم لوین دیویس که به عبارتی پس از «لی برادر کجا رفتی» دومین فیلم موزیکالشان محسوب می‌شود، برخلاف آن فیلم کمدی شاد، با یک فیلم که نورپردازی تیره، پر از سیگار و هوای بارانی و غم و ناراحتی طرفیم. لوین دیویس، یک موزیسین بی‌اعصاب که معتقدشه شغلیش، یعنی خوانندگی و نوازندگی، فقط برای پول است؛ نه اینکه برای چند نفر بزند و آن‌ها سرهایشان را تکان دهند! این فیلم، تقریباً جاده‌ای نیز محسوب می‌شود. آهنگ‌های فیلم بسیار زیبا هستند و تیم بازیگری درجه یک هستند. کافی است چهار دقیقه از فیلم بگذرد، آن وقت دیگر در فیلم غرق شده‌اید! راستی، یک گربه هم در فیلم وجود دارد که نقش کلیدی دار!

**جلسه کوتاه ۱۲ «Short Term ۱۲»**

این یکی را خیلی دوست می‌دارم! فضای فیلم به شدت صمیمانه‌اس و به زیبایی هرچه تمام‌تر، چند روز از زندگی چهار کارمند بازپروری را می‌بینیم. بری لارسون که هم جدیت و هم شوخ‌طبعی ریز خود را دارد، جان گلگر جونور که بار کمدی فیلم را حفظ می‌کند، رمی مالک تو سری‌خورا و استفانیا بیتریز که وقتی بقیه نیستند، آن جا را می‌گرداند. از آن طرف، کاتلین دور را داریم که نقش به دختر مودی و بد اخلاقی را بازی می‌کند و لی‌کیت استفیلد که یکی از درون گراترین و غمبارترین کاراکترهایی است که دیده‌ام. داستان فیلم ساده هست و باز هم می‌گویم، فیلم فضای به شدت صمیمانه‌ای دارد که کم یافت می‌شود.

**مایخولیا «Melancholia»**

این فیلم فرا بی‌نظیر است! اولاً باید بگم آقای فون تریه فیلم را ساختند و از کارگردانان منفور سینما هستند اما در این فیلم، به شیوه‌ای کاملاً متفاوت، افسردگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نشان می‌دهد که همه در معرض افسردگی هستیم و یک روز به آن مبتلا می‌شویم. یکی می‌گوید نه بیا این حرفا چی‌ما شادیم خوشحالیم علم فلان گفته ماها نمی‌گیریم و فلان و فلان و فلان. یکی می‌گوید من آن را قبول کردم. از اون نمی‌تونم فرار کنم و باید قبولش کنم. کریستن دانست به زیبایی تمام، یکی از افسرده‌ترین نقش‌های سینما را کرده‌است. بایستی گفت آه از غم مرحله اول فیلم گذشتید، بعید میدانم بتوانید از غم مرحله دوم فیلم بگذرید مگر اینکه به بار این حس عجیب زشت دوست داشتنی مایخولیایی را تجربه کرده باشید!

**مرثیه‌ای برای یک روپا «Requiem For a Dream»**

نیازی به معرفی و توضیح آن چنانی نیست! کارگردان فیلم آرتوفسکی است که هر دفعه غم جدیدی در آستینش دارد و رحم کردن به کاراکتر برایش یه شوخی زشت است. جرد لتو و جنیفر کانیلی از معتادان قدیمی و دوست داشتنی سینما هستند و مادری که می‌خواهد لافر شود تا بتواند در یک برنامه تلویزیونی آبرو داری کند! خلاصه داستان فیلم این است و افرادی که روپا دارند و آرتوفسکی مرثیه‌ای برای آن می‌سراید. اما چه چیزی این مرثیه را کامل‌تر می‌کند؟ بلکه موسیقی مسخ کننده و بی‌نظیر کلینت منسل که شما را به درون فیلم می‌کشد و نمی‌گذارد نفس راحتی بکشید؛ و پایان شوکه‌کننده و اعصاب خورد کن و اعصاب خوردکن و اعصاب خوردکن…

**مزایای گوشه‌گیر شدن «The Perks Of Being Wallflowers»**
فیلمی که به راحتی باه‌اش کردم دیدنی‌رستایی درست حسایی. بی‌عیب و نقص باه‌اش ارتباط برقرار می‌کنید و فکر می‌کنید جزء اکیشپان هستید. فیلم، به شدت خوش ساخت است و به زیبایی با تمام شخصیت‌ها ارتباط برقرار میکنید. به احساسات افراد گوشه گیر می‌پردازد و با آهنگای راک زیبا همراهان می‌کند و مهم‌تر از همه، هیچ وقت خودش را لوس نمی‌کند و فاز نالیدن را لکی بر نمی‌دارد. بر افسردگی و گوشه‌گیری اصرار نمی‌کند و می‌گوید به لحظه باید دل را به دریا زد و رفت وسط تا با سم‌ها و باتریک‌هایی که در زندگی همه‌مان است، رقصیده، خوش گذراند و لذت برد. نکته آخر اینکه فیلم واقع‌گرایانه ساخته شده و چارلی قصه ما، راه دراز و سختی برای شاد شدن طی می‌کند.

**فلوریدا پراجکت «Florida Proje»**

یک فیلم ساده و باحال و رنگارنگ. چند کودک شیطان که در یک پراجکت (به سری سوپیت که کنار هم دیگه و به صورت به ساختمان ساخته شدن) دو مادر دیوونه و یک مهماندار با نقش آفرینی محشر ویلیام دوفو که زبادی مهربان است و آچار فرانسه است. جدا از اینکه فیلم به زیبایی به مسئله نظام سرمایه داری می‌پردازد، بلکه یک داستان زیبا هم تعریف می‌کند. درباره‌ی فیلم چیز بیشتری نمی‌گویم، چون نمی‌خواهم لذت دیدن این فیلم را از شما بگیرم!

### جوکر «Joker»

یک فیلم پاپ کورتی که آندقر عمیق به مسئله تنهایی نمی‌پردازد، کلیشه‌ای و پر از ایراد هم هست. اما دیوانه بازی‌ها و بلاهایی که آرتور فلک می‌آورد، گاهی اوقات همان افکار خطرناکی بود که در ذهنمان رزه میرفت. چیزی که حس همدردی مان را قلقلک مینهد، قطعاً بازی فینیکس است و بس. پس بیشتر نمی‌گویم، چون «جوکر» است!

**خلا وارد شو «Enter The Void»**

چرا این فیلم را اینجا گذاشتم؟ چون در مورد سفر یک روح است. درمورد «مرگ» است و امکان ندارد یک بار ما در مورد مرگ فکر نکرده باشیم… مخصوصاً هنگام تنهایی و ناراحتی. کلا enter the void از تکرارنشدنی فیلم‌های تاریخ سینما هست که کلی حرف دارد، اما زبان از گفتن آن حرف‌ها قاصر است؛ این فیلم را در دست ندهید.

**مبتدی‌ها «Beginners»**

آخ که چقدر این فیلم خوب است. آخ که چقدر این فیلم همه چیزش، همه چیزش آرام و ملایم است. فیلم درمورد جوانی به نام الیور است که مدت‌هاست آزاد است و در یک مهمانی، با یک دختر زیبا به نام آن‌ا آشنا می‌شود. کلیشه است نه؟! اما مشکل اینجاس که الیور این سوال را از خودش میپرسد: آیا من لیاقت او را دارم؟ و گشت و گذاری در رابطه او با پدرش و بقیه ماجرا. در نگاه اول فیلم کلیشه‌ای است، ولی چنان دل شما را به دست می‌آورد که محو فیلم می‌شوید.

**امیلی «Amelie»**

یک شخصیت خنده بر لب، یک سفر فانتزی و یک عاشقانه آرام. امیلی، با بازی محشر و لذت بخش آدری توتو یک فیلمی است که در سخت‌ترین لحظات عمرتان حکم دیازپام را خواهد داشت. البته که موسیقی به شدت دلنشین و آرام در فیلم جریان دارد که لذت فیلم را صدبرابر کرده است.

### یوونگ کار-وای از برنامه احیای فیلم هنگ کنگ حمایت می‌کند

فیلمسازان مطرحی از جمله وونگ کار-وای، پیتر جان هو-سان و درک بی از جمله کارگردانان ارشدی هستند که تعهد داده‌اند مهارت‌ها و تجربه خود را به نسل جدید منتقل کنند. آن‌ها بخشی از یک ابتکار دولتی با سرمایه ۱۲.۹ میلیون دلاری هستند که هدفش تقویت صنعت فیلم هنگ کنگ بعد از آسیب‌های وارد شده به خاطر پاندمی کرونا و ادامه تنش‌های سیاسی است.

تضمین مالی این ابتکار جدید که توسط صندوق توسعه هنگ هنگ کنگ تأمین می‌شود، هر یک از این کارگردان‌ها با یک یا یک فیلمساز جوان همراه می‌شوند تا فیلمی تهیه کنند که از یک پارانهِ ۱.۲ میلیون دلاری دولتی بهره می‌برد. انتظار می‌رود ساخت حدود ۱۰ تا ۱۲ پروژه از این طریق محقق شود. این برنامه از جمله پنج تدبیر در برابر کروناست که دوشنبه اعلام شد و روی هم رفته ارزش آن‌ها ۳۳.۵ میلیون دلار است.
ادوارد یائو وزیر بازرگانی هنگ‌کنگ گفت تهیه و سرمایه‌گذاری محلی فیلم طی یک سال اخیر افت داشته و پاندمی کووید- ۱۹ و اعتراض‌هایی که از ژوئن قبلی آغاز شد به آن‌ها ضربه زده است.سینماها به مدت شش هفته بسته بودند و فروش واکس آفیس منطقه با کاهش بیش از ۷۰ درصدی در نیمه اول ۲۰۲۰ مواجه شد. هم‌را با شش اعتراض‌های سیاسی، فروش گیشه در نیمه دوم ۲۰۱۹ هم با کاهش ۱۰ درصدی مواجه شده بود.

بیش از ۱.۰۵ میلیون دلار تا به حال به یک برنامه حمایت از فیلمنامه‌نویسی اختصاص داده شده که انتظار می‌رود بتواند ۴۰ فیلمنامه تولید کند. دولت همچنین قصد دارد از طریق برنامه تأمین مالی تولید فیلم با پروژه‌ها حمایت کند. این برنامه به سرمایه‌گذارانی که با هم پروژه‌ها را تأمین مالی می‌کنند اجازه می‌دهد سرمایه‌شان را اول بازپایی کنند. از این طریق هم قرار است بیش از ۱۰ فیلم با بودجه حدود ۱۳ میلیون دلار ساخته بشود.